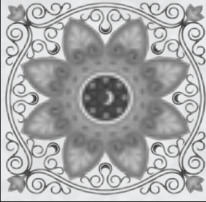


اصول و شیوه های تربیت انسان در سوره مبارکه انعام



* دکتر شهرزاد شاوردی * * رقیه کشاورز *

* چکیده *

این پژوهش با هدف بررسی سوره انعام و استخراج اصول و شیوه های تربیتی آن و ارائه راهکارهای عملی در عرصه تعلیم و تربیت با نظر به اصول و روشها بوده است . در این تحقیق که از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است، شیوه تحلیل داده ها به صورت کیفی است و بر پایه آن ، با جستجو در آیات سوره انعام با تکیه بر تفاسیر قرآن از جمله : تفسیر المیزان ، نمونه ، مجمع البیان ، تفسیر بیان و تفسیر مشکوه و دیگر کتب مربوطه مراجعه به پایان نامه ها و مقالات مرتبط با موضوع تحقیق ، ابتدا در زمینه محتوای این سوره شناخت لازم حاصل شده و در گام بعدی با نگاهی تحلیلی استلزامات تربیتی این سوره در راستای اصول و شیوه های تربیتی استخراج گردیده است و سپس پاسخ سئوالات ، از آیات به همراه تحلیل مقتضی ارائه گردیده است . از آنجا که اصول به مبنای تکیه دارند ، روشها نیز بر اصول مبتنی هستند . یافته های این تحقیق شامل : ۶ مبنای تربیتی ، ۷ اصل تربیتی و ۱۴ روش تربیتی می باشد . ما در بخش اصول تربیتی متناظر با آیات سوره انعام به اصل تحول درونی مطابق مبنای تغییر ظاهر و تحول باطن ، اصل تذکر مطابق مبنای آشنایی و بیگانگی با خدا ، اصل عدل منطبق با مبنای تطور و وسع آدمی ، اصل آراستگی و فضل با مبنای جذبه حسن و احسان ، اصل مسئولیت مطابق مبنای مقاومت و تأثیر گذاری شرایط بر انسان و اصل اصلاح شرایط متناظر با مبنای تأثیر شرایط بر انسان با تکیه بر آیات سوره اشاره داشته ایم .

در بخش روشها ، از روش های اعطای بینش و دعوت به ایمان منشعب از اصل تحول درونی ؛ روش عبرت آموزی و یادآوری نعمتها طبق اصل تذکر ؛ روشهای انداز ، مجازات به قدر خطا و تکلیف به قدر وسع مطابق اصل عدل ؛ روش تزیین کلام ، طبق اصل آراستگی ؛ روشهای مبالغه در پاداش و ، تبشیر و توبه منشعب از اصل فضل ؛ روشهای مواجهه با نتایج اعمال و ابتلا مطابق اصل مسئولیت و روش اسوه سازی طبق اصل اصلاح شرایط با نظر به آیات سوره مبارکه انعام سخن گفته ایم و در پایان مطابق با مبنای ، اصول و شیوه ها ، راهکارهای تربیتی برای پیشبرد نظام تعلیم و تربیت ارائه نموده ایم .

* استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز *

* کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت اسلامی *

❁ کلید واژه :

تربیت ، مبانی تربیت ، اصول تربیت ، روشهای تربیت

❁ مقدمه:

از آنجایی که گوهر وجود آدمی جز با تربیت شکوفا نمی شود ، از این رو ، خداوند در کاملترین کتاب تربیتی خود، قرآن کریم ، بطور همه جانبه و فراگیر تمام جنبه های فردی و اجتماعی زندگی انسان را به عالیترین شکل بیان نموده و بهترین راهکارهای تربیتی را ارائه می دهد و برای تأمین سعادت مادی و معنوی و هدایت بشر به صراط مستقیم نازل شده است بدین منظور این تحقیق به دنبال آن بوده است که با بهره گیری از آیات سوره انعام ، اصول و روشهای تربیتی آن را استخراج نموده تا ضمن انس بیشتر با کلام الهی ، بتوان در امر تربیت به ویژه در عرصه تربیت رسمی کشور راهکارهای تربیتی لازم را استخراج نمود .

❁ سوره مبارکه انعام در یک نگاه:

در کافی بسند خود از حسن بن علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: سوره انعام یکباره نازل شد و هفتاد هزار ملک آن را بدرقه کردند تا به رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم فرودش آوردند؛ پس شما نیز این سوره را تعظیم نموده بزرگ بشمارید ، زیرا اسم جلاله یعنی الله (عزّ وجل) هفتاد جا در این سوره ذکر شده و اگر مردم بدانند چه فضیلتهایی در قرائت آن هست، هیچ گاه آن را ترک نمی کنند . قمی در تفسیر خود می گوید : پدرم مرا حدیث کرد از حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السلام که فرمود : سوره انعام یکباره نازل شده و هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه کردند ، در حالی که همه با تسیح و تهلیل و تکبیر زمزمه داشتند ، پس هر کس آن را قرائت کند ، همین فرشتگان تا روز قیامت بر او استغفار می کنند . (المیزان ، ج ۷ ، ص ۱۶)

سوره انعام ششمین سوره قرآن و دارای ۱۶۵ آیه و ۳۰۳۵ کلمه است و از سوره مکی می باشد . در روایاتی که پیرامون فضیلت این سوره نازل شده کرارا می خوانیم ، سوره انعام را هفتاد هزار فرشته ، به هنگام نزول بدرقه کردند و کسی که آن را بخواند (و در پرتو آن روح و جانش از سرچشمه توحید سیراب گردد) تمام آن فرشتگان برای او آمرزش می طلبند ! . (نمونه ج ۵ ص ۱۴۴)

اصول و شیوه های تربیت
انسان «سوره مبارکه انعام»

انعام ، جمع نَعَم و به معنی مال زیاد گفته اند و به معنی شتر ، گاو و گوسفند و هر حیوان چهار پای خشکی و دریایی بجز درندگان و در آیات ۱۳۶ تا ۱۵۰ یعنی حدوداً ۱۵ آیه را به خود اختصاص داده ، چون عقاید مردم آن زمان در رابطه با انعام دچار انحراف شده بود ، این آیات جهت روشنگری برای آنان نازل شد. اکثر مفسرین بر این اعتقادند که این سوره از آغاز تا انجامش از یک مایه و روح جان می گیرد و نموداری واضح و کامل از ویژگیهای سور مکی را با خود دارد . این مطلب همان است که سیوطی در الاتقان خود ذکر می کند و علامه طباطبایی درالمیزان به آن تأکید دارد .

✽ نظام تربیتی ارائه شده در سوره و محتوای آن :

در این سوره ، جهان هستی محیط آموزشی و تربیتی انسان و عمر انسان بمنزله زمان تربیت و پرورش قلمداد شده است . انسان جهت تربیت و پرورش در مدرسه و آموزشگاه جهان هستی گام می گذارد و در مدت زمان محدود عمر خود به کسب معارف و دانشهای تربیتی می پردازد و از وسایل کمک آموزشی این آموزشگاه که همان پدیده های طبیعی مثل : شب و روز ، گردش زمین ، باد و باران و گیاهان و میوه ها هستند ، استفاده کرده و با کمک مربیان باتجربه و برگزیده ای چون انبیاء الهی ، نکات تربیتی را فرا می گیرد تا هر چه سهلتر مدارج قرب الهی را طی کرده و تا مرحله خدائگونه شدن پیش رود

در یک نظام تعلیم و تربیت محتوا باید روشن شود ، چه مطالب و آموزشهایی را باید به فراگیران ارائه داد تا آنها بتوانند با فراگیری این آموزشها بهتر به اهداف مورد نظر نایل گردند. در این سوره نیز موضوعاتی مطرح شده است که به برخی از محتوای آنها اشاره می شود :

◆ توجه دادن به کیفیت خلقت جهان ، انسان و موجودات هستی .

◆ ایمان به رسولان و رهبران الهی و ردّ شبهاتی که پیرامون مسأله وحی و رسالت مطرح است .

◆ ایمان به روز واپسین و ثواب و عقاب که در چنان روزی برای مردم پیش بینی شده است تا وجدان هارا بیدار سازد .

◆ محاجّه حضرت ابراهیم علیه السلام با مشرکان ، که هدف آن بیدار کردن فطرتها و فعال کردن اندیشه هاست و اینکه با گفتگو و مناظره می توان افراد را به فساد عقیده و اشتباهاتشان رهنمون شد .

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام



◆ تأکید بر آزادی اراده و اختیار انسان و اینکه انسان مجبور آفریده نشده است و می تواند با اعمال و کردار خود، راه هدایت یا ضلالت را برگزیند و در صورت پذیرش هدایت، خداوند چراغهای روشنی فرا راه او قرار می دهد.

◆ معرفی ارزشها و ضد ارزشها و سفارش به امور نیک و نهي از بدیها، که در آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ به آن اشاره شده است و درسهای ارزنده و انسانساز با خود دارد از جمله:

دعوت به توحید و یکتاپرستی رعایت حقوق پدر و مادر، رعایت حقوق کودک، سازندگی درون و برون، رعایت حقوق بشر در نهي از آدم کشی، سفارش به تفکر و خردورزی، رعایت حقوق اقشار آسیب پذیر در امر به نزدیک نشدن به مال یتیم، امنیت اقتصادی، انتظار بر اساس امکانات و تواناییها، عدالت در گفتار و داوری، وفاداری، گام سپردن در شاهراه درست و بی انحراف، وحدت جویی و پرهیز از تفرقه و دعوت به تقوا و پروا پیشگی که توجه به این مسائل رسیدن به عبودیت، قرب و رضوان الهی و حیات طیبه که از اهداف غایی تعلیم و تربیت است می باشد.

✽ اصول تربیتی متناظر با آیات مطروحه در سوره انعام

هر چند که سؤال اصلی پیرامون اصول تربیتی می باشد، ولی برای پاسخ به این سؤال ناچاریم اصول را به مبانی ارتباط دهیم. چون اصول تربیت قواعد مستخرج از مبانی هستند، آنچه در بحث ما به عنوان مبانی تربیت در نظر گرفته شده، با توجه به ویژگیهای عمومی انسان است و اصول تربیتی مطابق با آن بعنوان قاعده و دستورالعمل کلی است و روش های تربیتی نیز دستورالعمل های جزئی ترند که هر دسته از آنها در دامنه یک اصل تربیتی قرار خواهند گرفت. (باقری، ۱۳۸۰ ص ۸۹)

◆ مبانی و اصولی که در آیات سوره انعام به آن اشاره شده عبارتند از:

(۱) تغییر ظاهر و تحول باطن و اصل تحول درونی، اگر تغییری در باطن رخ دهد در ظاهر هم نمودار می شود. این مبنا و اصل تأکید دارند که باید تحول درونی صورت گیرد، ظاهر و باطن هر دو را باید از آلودگی پاک ساخت. منظور از ظاهر همه کارهایی است که بطور مشهود از انسان سر می زند و مظهر آن بدن است و مراد از باطن کارهایی است که قابل مشاهده نیست همچون فکر و نیت، ظاهر آدمی در کار نقش زنی بر باطن است اما بدان معنا نیست که باطن کاملاً

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

منفعل باشد بلکه آن نیز در کار نقش آفرینی در ظاهر است این دو مکمل هم هستند هم ظاهر و هم باطن هر دو باید در کار باشند تا کارساز شوند. (باقری، ۱۳۸۰ص ۱۰۳) آیه ۱۲۰ این سوره اشاره دارد که گناهان آشکار و نهان را ترک کنید و در آیه ۱۵۱ می فرماید: به کارهای زشت نزدیک نشوید چه آشکار باشد چه پنهان. باید طوری عمل کرد که بدنبال دگرگونی باطنی فرد، رفتارها و اعمال او نیز در معرض اصلاح قرار گیرد. در جامعه به وضوح می بینیم کسانی که نماز می خوانند ولی مسائل اخلاقی دیگر را رعایت نمی کنند مثلاً دروغ، غیبت، عدم رعایت حق الناس و عدم رعایت حجاب در جامعه و توجیه آنان این است که قلبت پاک باشد، این کفایت نمی کند و یا اگر ما در کوشش های تربیتی خود در ارتباط با مربی خود گرفتار نوعی ظاهربینی شویم و فقط به ظواهر امر بنگریم به بیراهه رفته ایم. پس اصل در تربیت، تحول درونی و هماهنگی آن با ظاهر افراد است که در نقطه نهایی هر دو به هم برسند همانطور که هر بذری در دل بپاشیم شاخ و برگ آن بر پوست خواهد نشست.

۲) آشنایی و بیگانگی با خدا و اصل تذکر، با توجه به ویژگی عمومی دیگر انسانها آدمی که فطرتاً خداجوست، ولی در اثر کثرت اشتغالات خود دچار غفلت و نسیان می شود و آشنایی او با خدا جای خود را به بیگانگی می دهد و تذکر بیانگر آن است که باید به فرد آنچه را علم دارد، مجدداً یاد آوری کرده و تذکر داد. با توجه به این خصوصیت انسان است که خداوند به کرات در قرآن کریم به صورت های مختلف به او هشدار می دهد تا به سوی فطرت اصلی خود بازگردد و از خواب غفلت و نسیان بیدار شود. خداوند در آیات ۵ و ۴ انعام می فرماید: هیچ آیتی از آیتهای الهی نیامد مگر آنکه از آن روی گردانیدند پس به زودی از نتایج کار خود آگاه می شوند و در آیات ۴۰ و ۴۱ می فرماید: آیا هیچ فکر کرده اید اگر عذاب پروردگار به سراغ شما بیاید یا رستاخیز برپا شود آیا غیر خدا را برای حل مشکلات خود می خوانید؟ مسلماً نه و او است که مشکلات شما را برطرف می سازد.

بکاربردن تذکر از اصول تربیت اسلامی است. آیه ۷۰ سوره می فرماید: آنان را به قرآن تذکر ده، مبادا که کسی به سبب کردار زشت خود در معرض هلاکت قرار گیرد. آدمی به سبب گرفتار شدن در بند های دنیایی، دچار غفلت از یاد حق و فراموش کردن حقیقت هستی می شود و در نتیجه حقیقت خویش را از یاد می برد، که از کجا آمده برای چه آمده و به کجا می رود؟ راه نجات انسان؛ متذکر شدن او به حقیقتش و رجوع دادن وی به معارف و حقایقی است که

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام



مطابق سرشت او است .

نقش ذکر در تربیت آدمی و تعالی روحی چنان است که هدف عبادت است ، اقم الصلوه لذکری . ذکر انسان را از غفلت بیرون می برد و او را متوجه عظمت هستی و رحمت های الهی می کند و راه تربیت را هموار می سازد . (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶ص ۲۶۵) جایگاه این اصل در اندیشه اسلامی بسیار والا است به نحوی که گاه وظیفه پیامبر تذکر بیان شده، ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ (غاشیه ۸۸۲/۱) مربی نیز در ارتباط با متربی خود از این اصل باید بخوبی استفاده کند .

۳) تطوّر وُسع آدمی و اصل عدل ، چون انسان ها از وُسع های مختلفی برخوردارند ، طبق اصل عدل نمی توان رابطه تربیتی با افراد را مختلف را یکسان در نظر گرفت ، بلکه باید بصورت موازنه آن را تنظیم نمود . خداوند در جریان تربیت رابطه ای متوازن با انسانها برقرار می سازد و این توازن و تناسب ناظر به عدل است . اگر چه انسانها در گوهر وجود هم ریشه اند ، اما امکانات درونی و بیرونی افراد با هم یکی نیست و هر کس در جایگاه معینی قرار گرفته و توانایی و امکانات ویژه خود را دارد . تفاوت ها و تمایزهای میان آدمیان بخاطر وسع های مختلف آنها است . در عین اینکه راه اصلی و دین یکی است، باریکه راه های مختلفی در دل خود دارد که هر یک ویژگی هایی دارد و با توجه به ظرفیت ها و راه های مختلف ، هدایت یافتن افراد معنا پیدا می کند. (باقری، ۱۳۸۰ص ۱۸۲) آیه ۱۵۲ سوره انعام به این مسئله دقت نظر دارد و می فرماید: ﴿...لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ هیچکس را جز به اندازه توانایی تکلیف نمی کنیم . از این رو عدل چون اصلی اصیل در تربیت اسلامی لحاظ شده است و ظلم (یعنی عدول از عدل) در نگرش اسلامی یکی از کریه ترین ضد ارزشها است. خداوند در ارتباط با انسانها چنان عدل می ورزد که کمترین میزان ظلم را نیز از خود نفی می کند . پس طبق اصل عدل باید روشهایی در نظام تربیتی فراهم آید که مظهر برقراری رابطه توازن میان مربی و متربی باشد .

۴) جذبۀ حسن و احسان و اصل آراستگی و فضل، حسن به معنی زیبایی ظاهری و احسان به معنی خوبی و زیبایی معنوی هر دو در تربیت انسان مؤثرند . اصل آراستگی ناظر به جذبۀ حُسن و اصل فضل ، ناظر به جذبۀ احسان. در اصل آراستگی تأکید بر آن است که در جریان تربیت باید صورتهای نیک آراست تا رغبتها برانگیخته شوند. مربی باید با کلام زیبا و نافذ خود به امر تربیت بپردازد . این زیبایی در بزرگترین کتاب هدایتی انسان متجلی است، رویکرد زیبایی گرایی

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

در همه ابعاد قرآن کریم متجلی است. فصاحت و بلاغت ظاهری و معنوی آن در سوره انعام نیز به وضوح پیداست آنجا که از نعمتهای بیکران الهی در آیات ۹۹ و ۱۴۱ یاد می‌کند آنها را به زیبایی هرچه تمامتر وصف می‌نماید. در آیه ۹۹ می‌فرماید: او کسی است که از آسمان آبی نازل کرد و بوسیله آن گیاهان گوناگون رویاندیم، از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم و از دانه‌های متراکم و از شکوفه نخل خوشه‌ها با رشته‌های باریک فرستادیم و باغها از انواع انگور و زیتون و انار، شبیه یکدیگر و بی‌شبهت، هنگامی که میوه می‌می‌کند، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه‌هایی برای افراد با ایمان است و در آیه ۱۴۱ می‌فرماید: او است که باغهای معروش و غیر معروش را آفرید و همچنین، نخل و انواع زراعت را که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند از میوه آنها بخورید و حق آنها را بپردازید، اسراف نکنید که خدا اسرافکاران را دوست ندارد.

در هر دو آیه بیان می‌دارد که خوردن باید با هدف باشد و زیبایی‌ها و نعمت‌های الهی در جهت مطلوب باید استفاده شوند. در جذب احسان از اصل فضل سخن گفته می‌شود که همواره فراتر از عدل است و در فرد قدرشناسی و تواضع برمی‌انگیزد، پس در اصل فضل، مربی باید مظهر رحمت باشد و در برابر هرگونه تحرک مطلوب و مثبت متربی، پاسخی نشان دهد تا خوبی‌ها در جامعه گسترش یافته و رشد یابند. چرا که خداوند خود مظهر فضل و رحمت است. موضوع وجوب رحمت خدا در قرآن دو بار در سوره انعام آمده است ﴿... كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...﴾ آیه ۵۴ و ﴿... قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...﴾ آیه ۱۲.

۵) تأثیر شرایط بر انسان و اصل اصلاح شرایط، انسانها در شرایط زمانی و مکانی و شرایط اجتماعی مختلف از اجتماع تأثیر پذیری دارند و در این بین شرایط اجتماعی از قدرت چشمگیری برخوردار است. انسانها از حیث ظاهر و باطن خود تحت تأثیر شرایط هستند. آنها می‌توانند با الگوپذیری از رهبران الهی خود، با حفظ و تحکیم روابط اجتماعی بین مؤمنان شرایط را به نحو مثبت اصلاح نمایند و گاه همچون آنان با امر بمعروف و نهی از منکر وضعیت‌های نامطلوب اجتماعی را دچار تغییر کنند. آیه ۶۸ سوره تأکید دارد که از افراد خرده‌گیر و طعنه‌زننده دوری کن و با گروه ستمگر مجالست نکن چون آنها بر انسان تأثیر گذارند. و در آیه ۱۱۶ اطاعت از اکثریت را منع می‌کند چون به

اصول و شیوه‌های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام



علت پیروی از حدس و گمان ، انسان را گمراه می کنند .

۶) مقاومت و تأثیر گذاری بر شرایط و اصل مسئولیت ، انسان می تواند در قبال شرایط ایستادگی کند و رنگ نپذیرد و حتی بر آن تأثیر بگذارد ، این ویژگی بارز اختیار انسان است . اصل مسئولیت که مبتنی بر مقاومت و تأثیر گذاری بر شرایط است ، بیانگر آن است که باید مقاومت فرد را در قبال شرایط افزایش داد . در این زمینه خداوند در آیه ۱۹ می فرماید: ﴿أَنْتُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَهُ أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ آیا برآستی شما گواهی می دهید که خدایان دیگری با خداست؟ بگو من هرگز چنین گواهی نمی دهم . او است خداوند یکتا و من از آنچه برای او شریک قرار داده اید بیزارم .

در آیه ۱۵۰ نیز آمده است که: ﴿... فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ اگر آنها به دروغ گواهی دهند تو با آنها همصدا مشو و از هوی و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای خدا شریک قائلند پیروی نکن. پس لازم است فرد در قبال بایدها و نبایدها ، با الزامی نشأت گرفته از درون به عمل پردازد و در برابر آنها احساس مسئولیت کند.

❁ شیوه های تربیتی متناظر با آیات سوره انعام

نظر به اینکه دامنه تربیت انسان بسیار گسترده است ، هیچگاه نمی توان او را در چها رچوب روشهای معدودی محصور نمود ؛ و ما در بیان روش های تربیتی ، به جای آن که سلسله ای از روشها را بدون ضابطه در کنار هم بیاوریم آن ها را بر حسب قرار گرفتن در دامنه اصول تربیتی مختلف دسته بندی کرده ایم و هر دسته را ذیل اصل مربوطه آورده ایم (باقری ، ۱۳۸۰ ص ۸۸). در اینجا با بهره گیری از آیات سوره انعام ، به برخی از روشها اشاره می کنیم .

۱) روش اعطای بینش که مطابق با اصل تحول درونی است . در این روش سعی بر آن است که برداشت انسان از امور دگرگون شود تا تغییر رفتار انجام پذیرد . درک حضور خداوند در تمامی ذرات هستی و تفکر در آفرینش عالم کبیر ، آسمان و زمین و نظامات آن و سپس از طریق آفرینش عالم صغیر یعنی انسان ، مردم را متوجه اصل توحید می سازد . با بینش دادن انسان در مورد نظام هستی ، دنیا ، حقیقت انسان ، تاریخ انسان ، مرگ و پس از مرگ ، هدفمندی

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

جهان و زندگی در آن را گوشزد می کند و نظام از اوئی و بسوی اوئی را . آیه ۱۰۴ سوره انعام می فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾. از پروردگارتان بصیرت‌ها به سوی شما آمده و هر که بدید برای خویش دیده و هر که کور بوده به ضرر خویش بوده و من نگهبان شما نیستم. در این آیه ضمن اینکه تأکید می کند که حجت و دلایل واضحی برای روشن سازی حقایق آمده تا به انسان بصیرت بدهد، به موازات آن تذکر می دهد که بعد از این دیگر با زور و اجبار نمی توان کسی را به پذیرفتن راه هدایت دعوت کرد. و در آیه ۵۰ اشاره دارد که آیا نابینا و بینا با هم مساویند؟ چرا فکر نمی کنید؟ در همین جا باید به نقش اراده و اختیار انسان در زندگی اشاره نمود. پیامبران مسئول هدایت انسانها بوده اند نه از طریق اجبار و تحمیل، بلکه از طریق منطق و استدلال و بانفوذ معنوی که داشتند، انسانها را به صراط مستقیم هدایت می مودند و خداوند در آیات متعددی تأکید می کند که ای پیامبر تو فقط مسئول انجام وظیفه ای و ضامن کسب نتیجه نیست ﴿... وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾ (آیه ۱۰۴) و ﴿... قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾ (آیه ۶۶). انسان مختار و آزاد آفریده شده است یعنی به او عقل و فکر داده شده و راه هدایت و ضلالت برای او فراهم است، او همواره خود را در سر چهار راه هایی می بیند که می تواند فقط یکی از آنها را انتخاب کند. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۳۸۶) چون ایجاد دگرگونی در تلقی افراد، از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال آنها است به ذکر بیانش های عمده ای که در سوره انعام مطرح شده می پردازیم.

الف) بینش در مورد نظام هستی: در آیات ۱۳ و ۱۴ که می فرماید: هر چه در شب و روز، آرامش یافته، ملک خداست و او شنوای دانا است. آفریننده آسمانها و زمین است، او بر خلق طعام و روزی می خوراند و خود از طعام بی نیاز است.

آیه ۵۹ می فرماید: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ و همه خزائن غیب نزد خدا است و کسی جز خدا از آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریا است همه را می داند، برگ‌ها از درخت نمی افتد مگر آنکه آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ خشک و تری نیست، جز آن که در کتاب علم خدا آشکار است.

ب) بینش در مورد خلقت انسان: آیات اول تا سوم سوره می فرماید: ستایش خدای راست که آسمان و زمین را آفرید و روشنی و تاریکی را مقرر داشت، شما

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

را از خاک آفرید ، پس فرمان اجل و مرگ را بر همه مسلط کرد و او که پنهان و آشکار شما را می داند .

آیه ۹۸ : ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ﴾ هم اوست خدایی که شما را از یک نفس آفرید ، در حالی که بعضی از انسانها پایدارند و بعضی ناپایدار (در خلقت و ایمان) ، ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند بیان نمودیم .

ج) بینش در مورد دنیا : آیات ۳۲ : ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و سرای آخرت برای آنها که پرهیز گارند بهتر است .

آیه ۷۰ سوره انعام : ﴿وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهُمْ وَعَرَّتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...﴾ آنان که دین را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخته رها کن .

د- بینش در مورد تاریخ گذشتگان : آیه ۶ سوره انعام : ﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ...﴾ آیا ندیدند که پیش از آنان چه بسیار گروهی را هلاک ساختیم و حال آن که به آنها قدرتی داده بودیم که شما را نداده بودیم .

آیه ۱۱ سوره انعام : ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ﴾ بگو در زمین بگردید، تا عاقبت سخت تکذیب کنندگان را ببینید .

ه- بینش در مورد مرگ و پس از مرگ : آیه ۱۲ : ﴿لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ...﴾ البته شما را در روز قیامت که حتماً خواهد آمد جمع می کند . آن روز که همه آنها را محشور می کنیم ، به مشرکان می گوییم معبودهایتان کجا هستند؟ (انعام/۲۲) و اگر حال آنها را هنگامی که بر آتش ایستاده اند ، ببینی ، که می گویند ، ای کاش به دنیا باز می گشتیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم . (انعام/۲۷)

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا...﴾ (انعام/۳۱) هنگامی که ناگهان قیامت فرا رسد ، می گویند: افسوس که ما در باره آن کوتاهی کردیم .



﴿...ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (انعام/۶۰) پس بازگشت شما به سوی او است و شما را به آنچه عمل می کنید، آگاه می سازد .

۲) روش دعوت به ایمان ، این روش نیز که از اصل تحول درونی منشعب می شود ، در اینجا هدف آن است تا بینشی به انسان داده شود تا به عقیده بدل شده و عزم و اراده بر انجام عملی آن اتخاذ شود . اگر نیروی بالقوه ایمان در عرصه عمل حضور یابد ، انگیزختگی عمیق درونی را سبب می شود که همان ایمان است . در آیه ۸۲ می فرماید : ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ آنها که ایمان خود را به ظلم نیامیختند ، امنیت مال آنها است و آنها هدایت یافتگانند . آیه ۴۸ سوره نیز به تأثیر ایمان در زندگی اشاره دارد که : ﴿فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ آنها که ایمان آورند و خویش را اصلاح کنند ، هیچ غم و اندوهی نخواهند داشت .

در آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ یکی از نشانه های ایمان را خوردن از گوشت حیواناتی است که هنگام ذبح آنها نام خدا برده شده باشد . در این آیات در کنار بیان احکام شرعی به ما می آموزد که غذا و خوراک مؤمن ، باید جهت الهی داشته باشد و تغذیه حلال و التزام به احکام ، شرط ایمان است .

تأثیر ایمان را در زندگی فردی و اجتماعی خود بوضوح می بینیم از جمله : آرامش و انبساط خاطر ، دوری از گناه و محترم شمردن حقوق یکدیگر در جامعه و رعایت عدالت ، با احساس حضور مستمر خداوند در زندگی از ثمرات آن است . (اعراف و همکاران ، ۱۳۸۵ ص ۴۵)

۳) روش عبرت آموزی ، این روش از اصل تذکر منشعب می شود ، در قرآن مکرراً از این روش استفاده شده است . از روشهای تربیتی قرآن است که داستانهای آموزنده و واقعی را برای عبرت مردم نقل می کند . قرآن برای بیدارسازی مردم و بیرون آوردن آنان از خانه غرور به خانه شعور ، یادآوری وضع اقوام گذشته و سرانجام آنها را هشدار می دهد تا سرمشقی برای آنان شود و مقصود دیدن مصادیق هزار چهره خطاهای معین و معلوم است . مربی نیز می تواند از این روش کار خود استفاده نماید .

در آیه ۶ سوره انعام می فرماید: آیا ندیدند پیش از آنان چه بسیار گروهی را هلاک ساختیم و گروهی دیگر را بعد از آنها بوجود آوردیم ، این به سبب نافرمانی آنها بود . قرآن مکرراً به این موضوع اشاره دارد که امکانات مادی نباید موجب

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

غرور و غفلت افراد شود و آنها به علت کم ظرفیتی خود را بی نیاز از پروردگار می پندارند ، حال آن که این نعمتها ممکن است زمانی از انسان گرفته شود .

آیه ۶۵ می فرماید: خداوند قادر است غذایی از طرف بالا یا از زیر پای شما بفرستد و یا بین شما اختلاف افکند ، ببین چگونه آیات گوناگون را برای آنها بازگو می کنیم ، شاید بفهمند .

آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره انعام در جهت بیدارسازی اندرز ناپذیران دست آنها را گرفته و به زمانهای گذشته می برد و چگونگی حالات امت های گمراه و ستمگر را شرح می دهد ، تا عبرتی برای آیندگان شود .

۴) روش یادآوری نعمتها : نیز مطابق با اصل تذکر است ، خداوند دست انسانها را گرفته و به درون فطرتشان می برد و جایگاه نور توحید و یکتاپرستی را به آنها نشان می دهد . از آنجا که خصیصه اشتغال خاطر و نسیان در آدمی موجب غفلت او می شود و از آنچه مقتضای شکر آن نعمتها بوده باز می ماند ، مربی باید تنگناها و گشایش های زندگی متربی را در خاطر او زنده کند و او را برای به ثمررساندن گشایشها و نعمتهایی که در اختیار اوست فرا خواند و به راه اندازد . (باقری، ۱۳۸۰ص ۲۱۶) در سوره انعام به کرات از این روش بهره جسته است . نمونه هایی از استفاده از این روش را در سوره انعام از نظر می گذرانیم : آیات ۹۹ تا ۹۵ سوره با یک سیر علمی و پژوهشی او را به کنار شکافته شدن هسته و دانه و سر برآوردن از آن و نظام بهت آور مرگ و حیات تدریجی و شکافته شدن هر روز پرده ضخیم و سیاه شب با طلوع بامداد ، گردش تفکر انگیز خورشید و ماه ، آفرینش و نقش ستارگان ، پیدایش تدریجی میلیاردها انسان ، نظام شگرف ریزش باران و رویش رویدنی ها می برد و به او آگاهی می بخشد تا بدین وسیله از دنیای وجود خویش و اطراف خود آگاه گردد و آگاهانه زندگی کند و با فطرت خداجوی خود به توحید و یگانگی برسد . (کرمی، ۱۳۸۰)

در آیه ۶۳ می فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لِّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ بگو چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا یاری می بخشد؟ در حالی که او را آشکار و پنهان می خوانید (و می گوید) : اگر ما را از این (خطرات و ظلمتها) رهایی بخشیدی از شکرگذاران خواهیم بود .

﴿قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْكِرُونَ﴾ (انعام / ۶۴) بگو خدا

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

شما را از اینها و از هر مشکل و ناراحتی نجات می بخشد و باز هم برای او شریک می سازید ؟

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنَ إِلَهَ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِهِ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ﴾ (انعام/۴۶) بگو آیا فکر کرده اید اگر خداوند گوش و چشم های شما را بگیرد و بر دلهای شما مهر نهد، چه کسی جز خدا است که آنها را به شما بدهد؟ بین چگونه آیات را برای آنها به گونه های مختلف شرح می دهیم ، سپس آنها روی می گردانند.

در آیه ۱۴۱ نیز خداوند از نعمت های خود همچون باغ ها ؛ انواع زراعت ، درختان مختلف زیتون و انار و ... نام می برد و در پایان تأکید دارد که از نعمتها استفاده کنید ولی اسراف نکنید .

• (۵) روش انذار ، روشی مبتنی بر اصل عدل است . مطابق اصل عدل باید گاهی مرتبی را انذار کرد و به وقت خطا او را مجازات نمود . انذار همان توجه دادن به مسئولیت ها و ترساندن از ترک وظایفی است که گاهی برای تربیت کردن لازم است بکار گرفته شود . اساساً قرآن به عنوان انذارگری برای بشر معرفی شده است .

آیه ۱۹ می فرماید: ﴿... وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنُ لِأَنْذَرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ...﴾ هدف من این است که همه شما و کسانی را که سخنم به آنها می رسد با قرآن انذار کنم .

آیات دیگری که به این مسئله اشاره دارند عبارتند از: ﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ...﴾ (انعام/۴۸) ما پیامبران را جز برای بشارت و بیم نمی فرستیم .

﴿وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُخْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (آیه ۵۱) به وسیله قرآن کسانی را که از روز رستاخیز می ترسند بیم ده ، (روزی که در آن روز) باور و شفاعت کننده ای ندارند ، شاید تقوا پیشه کنند .

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ...﴾ (آیه ۱۳۰) (در آن روز به آنها می گوید) ای جمعیت جن و انس ، آیا رسولانی از شما بسوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند و از

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

ملاقات چنین روزی شما را بیم می دادند ؟

در آیه ۹۲ نیز می فرماید: این کتابی است که آن را نازل کردیم ، کتابی است پربرکت که آنچه را پیش از آن آمده تصدیق می کند ، و برای اینکه (مردم) و ام القری (مکه) و آنها که گرد آن هستند بترسانی و انذار دهی ، آنها که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می آورند و مراقب نمازهای خویش هستند .

۶۰) روش مجازات به قدر خطا نیز از اصل عدل گرفته می شود . طبق این روش مجازات و میزان و نحوه آن باید تابع خطای متربی باشد و عوامل دیگری چون وضع و حال مربی در حین مجازات ، آن را تحت تاثیر قرار ندهد . ممکن است مربی ، مجازات را تابع میزان غیظ و خشم خود قرار دهد اما اصل عدل مانع از آن است که این گونه عوامل در مجازات دخالت ورزد . ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ...﴾ (آیه ۱۲۰) کسانی که گناه می کنند در برابر آن مجازات خواهند شد. ﴿وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى...﴾ (آیه ۱۶۴) و هیچکس بار گناهان دیگری را بدوش نم نمی گیرد و هر کس مسئول اعمال خودش است. پس اگر مجازات در مورد کسی ضرورت یافت ، باید آثار و تباهی هایی که آن خطا به بار می آورد معین کرد و جبران آن را از فرد خواست چون این خطاها علاوه بر جنبه فردی ، جنبه اجتماعی هم دارد .

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (آیه ۴۹) و آنها که آیات ما را تکذیب کردند عذاب (پروردگار) به خاطر نافرمانیها به آنان می رسد .

﴿وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (آیه ۱۲۹) و این چنین بعضی از ستمگران را به بعض دیگر وا می گذاریم به سبب اعمالی که انجام می دادند.

در آیه ۳۱ می فرماید : آنها که لقای پروردگار را انکار کردند مسلماً زیان دیدند (و این انکار ادامه می یابد) تا هنگامی که ناگهان قیامت فرا می رسد می گویند : ای افسوس که درباره آن کوتاهی کردیم ، و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می کشند ، چه بد باری بر دوش خواهند داشت .

۷) روش تکلیف به حد وسع که روشی دیگر از اصل عدل است . در این مورد آیه ۱۵۲ سوره انعام می فرماید: ﴿... لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ هیچ کس را

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

جز به اندازه توانایی تکلیف نمی کنیم . خداوند در وسع مخاطبین سخن گفته و پیامبران و رهبران الهی نیز همواره اینگونه عمل می نمودند. در نظام تربیتی اسلام ، مربی باید طبق توان و طاقت فهم و عمل مربی با او سخن بگوید و از او تکلیف بخواهد ، تا تأثیر مطلوبی در فرد ایجاد شود . با نظر به مبنای ضعف در انسان یکی از اصول و قواعد مهم در تعلیم و تربیت ، تناسب تکلیف با ظرفیت است بر این اساس ، تکلیف و وظایف تربیتی باید با نظر به انواع مختلف محدودیت و ضعف های انسان تنظیم گردد . اگر ضعف از نوعی است که در مقطع معینی از زندگی مطرح است (مثلا در هفت سالگی نباید انتظار داشت که کودک تکلیف پذیر باشد) هر گونه تکلیف فراتر از این محدودیت ، باید به سپری شدن مقطع مذکور موکول گردد . اگر محدودیت از نوعی است که در سرتاسر زندگی آدمی به نحوی مطرح است همواره باید چون عامل تعدیل کننده ای در مورد تکالیف در نظر گرفته شود و اگر محدودیت از نوعی است که به صورت بالقوه در فرد وجود دارد و در شرایط معینی به ظهور می رسد ، در شرایط مذکور باید زمینه تناسب تکلیف با ظرفیت نسبت به فرد را فراهم آورد .

۸) روش مبالغه در پاداش که مطابق اصل فضل است ، بیان می دارد که چون خداوند همواره مظهر فضل و رحمت است و در این زمینه از مرز عدالت نیز پیشتر می رود . مربی نیز باید مظهر رحمت باشد و عمل مثبت و مطلوب مربی را پاداش چند برابر دهد تا هم آن عمل نیک در او نهادینه شود و هم راه را برای انجام اعمال نیک دیگر هموارتر سازد. در آیه ۱۶۰ این سوره می فرماید ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا...﴾ هر کس کار نیکو کند او را ده برابر آن پاداش خواهد بود و هر کس کار زشت کند جز به قدر کار زشت ، مجازات نشود .

بر این اساس مربی می تواند به فردی که تن به کوشش و تلاش داده بر اساس فضل رفتار کرده و بهترین اعمال او را معیار قضاوت و پاداش قرار دهد و حتی او را بیش از حد استحقاقش مورد لطف قرار دهد تا او با شوق و انگیزه ای مضاعف به حرکت وا داشته شود . مصداق چنین عملی را در آیات ۸۳ و ۱۲۵ سوره مشاهده می کنیم. ﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ (آیه ۸۳) خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان انسان برگزیده در مقابل قومش ترفیع درجه می دهد.

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ..﴾ (آیه ۱۲۵) و به کسانی که

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

آمادگی خود را برای پذیرش حق با اعمال و کردار خویش ثابت کردند و هدایت یافتند ، شرح صدر عطا می کند و اینها همه مبالغه در پاداش است .

۹) روش تبشیر ، روشی دیگر منشعب از اصل فضل است . تبشیر به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد داده می شود و مظهري از فضل و رحمت است . (باقری ، ۱۳۸۰ ص ۱۶۹)

آیه ۴۷ سوره انعام می فرماید: ﴿وَمَا نُزِيلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ...﴾
ما پیامبران را جز برای بشارت و بیم نمی فرستیم . از اهدافی که پیامبران بخاطر آن مبعوث شدند ، بشارت و انذار بوده است .

تبشیر نوعی تشویق است که در وجود آدمی امید می آفریند و او را آماده تلاش و کوشش می کند.

بشارتی که پیامبران از آن بهره جسته اند ، دامنه بسیار گسترده ای دارد و تنها در خور انسانهای برجسته نیست ، بلکه نفوس ضعیف را نیز مخاطب ساخته است . بنابر این انبیا مردم را به بهشتی بشارت داده اند که هر چه میل داشته باشند در آن مهیا است . این نکته ای است که نباید از آن غفلت کرد ، اما طبق این بیان ، باید بشارت ها چنان گسترده بکار رود که هر کسی را در هر مرتبه ای در بر گیرد . تشویق و قدردانی از نیکوکاران نه تنها وسیله رشد نیکی ها و کمالات است ، بلکه می تواند زمینه ای برای تنبه و بیداری دیگران باشد .

۱۰) روش توبه ، نیز منشعب از اصل فضل است ، اگر راه توبه و رجوع به خداوند باز نباشد انسان نمی تواند به کمال دست یابد . به مقتضای روش توبه نباید به محض دیدن خطا در فرد او را از خویش برانیم ، بلکه باید احتمال دهیم او متوجه خطایش نبوده و راه بازگشت و اصلاح او را باز بگذاریم . در سوره انعام آیه ۵۴ می فرماید : ﴿... مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ هر کسی از شما کار بدی از روی نادانی کند پس توبه و اصلاح و جبران نماید ، او آمرزنده و مهربان است .

طبق روش توبه نخست باید به استقبال خطاکار رفت و او را متوجه خطایش کرد و جهات مختلف و آثار و تبعات آن را روشن ساخت به نحوی که مایه بازگشت از خطا در وجود او ریشه بدواند و با اصلاح خطایش و جبران آنچه در گذشته انجام شده به او کمک کرد ، هر چند خطای او مکرر شده باشد و این نیز وجه دیگری از رحمت بودن توبه را آشکار می سازد ، همانطور که در آیه ۱۵۰



می فرماید : خداوند آمرزنده و مهربان است و توبه بنده را می پذیرد . مربی نیز نباید در قبول توبه بخل بورزد بلکه باید در آن شتاب کند و با آن ملازم باشد .

۱۱) روش تزیین کلام ، که مطابق با اصل آراستگی می باشد ، تأکید می کند که باید در امر تربیت ، روابط میان مربی و متربی و آنچه در این ارتباط عرضه می شود با وضعیتی زیبا و آراسته باشد تا تأثیر بیشتری بگذارد و محتوا و قالب هر دو در کلام اهمیت دارند . آیات ۵۴ و ۱۰۸ به این موضوع تأکید دارند که رابطه ها در امر تربیت باید بر اساس انس ، محبت و احترام باشد . ﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...﴾ (آیه ۵۴) هر گاه انسانهایی که به آیات ما ایمان دارند به نزد تو آیند به آنها بگو سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود فرض کرد . این آیه می آموزد ، مربی و مبلغ باید با برخورد های محبت آمیز با مردم به آنها شخصیت دهد و رابطه مربی و متربی باید بر اساس انس و محبت باشد .

﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بَغِيرِ عِلْمٍ...﴾ (آیه ۱۰۸) معبود کسانی را که غیر از خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها از روی جهل ، خدا را دشنام دهند . آیه تأکید دارد که کلام باید زیبا باشد ، تا زشتی رواج نیابد و به بازتاب برخوردهای خود باید توجه کرد . هر دو آیه به رعایت زیبایی کلام دلالت دارند چرا که این مسئله در تربیت افراد تأثیر به سزایی دارد .

۱۲) روش مواجهه با نتایج اعمال ، مطابق با اصل مسئولیت است ، در این روش امر و نهی جای ندارد هنگامی که فرد ببیند پیامد عمل او زیان خود را در پی دارد یا آنکه به سود خود اوست زمینه مناسب برای یافتن انگیزه درونی نسبت به ترک یا انجام عمل را یافته است . آیاتی که در سوره انعام به این موضوع اشاره دارند عبارتند از : ۱۰۴ - ۱۳۰ تا ۱۲۸ .

... فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا... (آیه ۱۰۴) هر که بینا شد برای خود او و هر که کوری ورزید بر خود کرده است .

﴿وَيَوْمَ يَخْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا...﴾ (آیه ۱۲۸) و آن روز که همه آنها را جمع و محشور می سازد ، به آنان می گوید : ای جمعیت شیاطین و جن ، شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید ، دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می گویند : پروردگارا

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

هر یک از ما دو دسته ، از دیگری استفاده کردیم و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم ، (خداوند) می گوید: آتش جایگاه شماست جاودانه در آن خواهید ماند .

﴿وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (آیه ۱۲۹) و این چنین بعضی از ستمگران را بر بعضی دیگر وامی گذاریم ، به سبب اعمالی که انجام می دادند.

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَعَرَّثَهُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ (آیه ۱۳۰) ای جمعیت جن و انس ، آیا رسولانی از شما بسویتان نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند و از ملاقات چنین روزی شما را بیم می دادند ، آنها می گویند ، گواهی می دهیم بر ضد خودمان و زندگی دنیا ، آنها را فریب داد ، و بر زیان خود گواهی می دهند ، که کافر بودند. آیات ۳۰ و ۳۱ نیز به این روش اشاره دارد .

مواجهه فرد با نتایج اعمالش در دو رتبه است : یکی در رتبه دریافتن و دیگری در رتبه دیدن . در رتبه نخست ، ما فرد را نسبت به پیامدها آگاه می کنیم و در رتبه دیگر ، او را وامی گذاریم تا با نتایج اعمال روبرو شود . به عبارت دیگر ، گاه نتایج را به پیشگاه او می آوریم و گاه او را به پیشگاه نتایج ؛ و پیداست که از این دو ، دومی کارآمدتر و قدرت متقاعد کننده ی نتایج در آن چشمگیرتر است .

این روش با هر دو رتبه اش ، در قرآن مورد توجه و استفاده قرار گرفته است .

• (۱۳) روش ابتلا ، نیز از اصل مسئولیت ناشی می شود ، این روش راه خوبی برای شکوفایی استعدادهای بشر است و با خالص شدن انسانها در عرصه های مختلف امتحان های الهی ، استعدادهای او به فعلیت رسیده و روشن بینی خاصی به او می دهد . مربی باید متربی را در کام عمل بیفکند تا او خود ، پستی و بلندی ها را زیر پا بگیرد و با خوشی ها و ناخوشی ها درآویزد و در هر یک ، توان معینی را در خویش پدید آورد . خداوند در آیه ۱۶۵ سوره انعام می فرماید : ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ و اوست کسی که شما را جانشینان (و نمایندگان خود) در زمین قرار داد و بعضی را بر بعضی دیگر درجاتی ، برتری داد تا شما را به آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید ، مسلما پروردگار تو سریع الحساب ، و آمرزنده مهربان است . از این آیه برداشت

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

می‌کنیم که بعضی از داده‌های خداوند ملاک برتری نیست بلکه وسیلهٔ آزمایش است و این تفاوتها و آزمایشات حکیمانه در مسیر رشد و حرکت انسان است و از ربوبیت خداوند سرچشمه می‌گیرد.

آیه ۵۳ نیز می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ و اینچنین بعضی از آنها را با بعضی دیگر آزمودیم، تا بگویند آیا اینها هستند که خداوند از میان ما بر آنها منت گذارده، آیا خداوند شاکران را بهتر نمی‌شناسد؟

در آیات ۴۲ تا ۴۵ نیز خداوند امتهای پیشین را که با پیامبران به مخالفت برخاسته بودند را در مرحلهٔ نخست دچار سختی و رنج نمود تا به خود آیند و توبه کنند، در مرحلهٔ دوم که آنان در گمراهی و شقاوت پافشاری کردند، نعمت‌های دنیا را در دسترس آنان قرار داد و رزق و روزیشان را گسترش بخشید تا به اینها سرگرم باشند و ناگهان همهٔ آنها را گرفت، در این هنگام همه مأیوس شدند. پس فراوانی نعمت هم می‌تواند نوعی آزمایش برای انسانها باشد و آنها باید هم در نعمت و هم در نعمت و گرفتاری خدا را فراموش نکنند. اگر ابتلاها و امتحانهای الهی به بدی و نیکی، سختی و آسانی، مصیبت و دولت نباشد، استعدادهای انسان به فعلیت نمی‌رسد و اعمالی که مقیاس پاداش و کیفر است ظهور نمی‌کند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶ص ۳۱۰)

۱۴۰) روش آسوه‌سازی، که از اصل اصلاح شرایط گرفته می‌شود، بیان می‌دارد که مشاهدهٔ رفتار و کردار مطلوب در فرد می‌تواند موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند، پس لازم است مربی ابتدا خودش الگوی نیکویی باشد و سپس به تربیت افراد بپردازد. بهترین و کوتاهترین روشهای تربیت ارائه الگوی عملی است. آیات سورهٔ انعام که به این روش اشاره دارند عبارتند از: آیات ۱۰-۳۴-۹۰-۱۶۲ و ۱۶۳. ﴿لَقَدْ اسْتَهْزِئَءَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (آیه ۱۰) (با این حال نگران نباش) جمعی از پیامبران پیش از تو را به باد آستهزا گرفتند، اما سرانجام آنچه رامسخره می‌کردند، دامانشان را گرفت (و عذاب الهی بر آنها نازل شد).

﴿وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَآوَدُوا حَتَّىٰ آتَاهُم نَصْرُنَا...﴾ (آیه ۳۴) پیامبرانی پیش از تو نیز تکذیب شدند و در برابر تکذیبها و آزارهای دشمنان لجوج، صبر و استقامت ورزیدند، تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید، بنابر این تو هم در برابر آزارها و حملات مخالفان روح صبر و استقامت

اصول و شیوه‌های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

را از دست مده . در هر دو آیه عملکرد پیامبران پیشین ، الگو و اسوه ای برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می شود .

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا...﴾ (آیه ۹۰)
آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده ، پس تو هم به هدایت آنان اقتدا کن و بگو در برابر این رسالت ، پاداشی از شما نمی خواهم . در این آیه هم برنامه پیامبران بزرگ را به عنوان یک سرمشق عالی هدایت ، به پیامبر اسلام معرفی کرده است . در آیات ۱۶۳ و ۱۶۲ ، خداوند پیامبر اکرم را از نظر خالص بودن ، نمونه معرفی می کند که نماز و عبادات و زندگی و مرگ او همه برای خداوند جهانیان است و او اول مسلمان است . الگوپذیری باید همراه با بصیرت باشد تا از پیروی کورکورانه پرهیز گردد . رهبران الهی بهترین اسوه برای مردم بودند ، مربیان نیز می توانند با اعمال نیک و مطلوب خود ضمن دادن بصیرت به افراد ، آنان را به رشد و تعالی برسانند .

❁ جمع بندی روشها

در جمع بندی از روشهای ذکر شده ، درمی یابیم که خداوند با یادآوری نعمتها و دادن بینش به انسان ، توجه او را به نظام هستی و عالم درون و بیرون خود ، دعوت به ایمان می کند و با عبرت آموزی از سرگذشت دیگران ، چشمان او را می گشاید تا به بصیرت دست یافته و از ظواهر امور گذر نموده و به باطن آنها بنگرد و در راههای خطا که دیگران رفته اند گام نگذارد . در این راه نیز آدمی را تنها رها نکرده و الگو و اسوه هایی همچون پیامبران ، امامان و بزرگان دین را به عنوان رهبران الهی برای او مشخص کرده است ، که آنها با سلاح انذار و تیشیر و تشویق و تنبیه انسان ها را در عرصه های مختلف زندگی مدد می کنند. خداوند به حد توانایی و فهم او برایش تکالیفی معین کرده و به هنگام پاداش حد نهایی را در نظر گرفته و از فضل و رحمت خود استفاده می کند. به هنگام خطای بنده از عدل خود بهره می برد و او را در به حد خطای خود مجازات می کند . از بهترین و زیباترین روش در دعوت بندگان استفاده می کند . او را به انواع مختلف آزمایش می کند و به ابتلا می اندازد ، گاه با سختی ها و گشایش ها و گاه با بیماری و فقر ، تا او در کوران حوادث آبدیده شده و استعدادهایش شکوفا شود و آن قدر رحیم و مهربان است که اگر غفلت و نسیان آدمی را از هدف اصلی دور کرد و خطایی مرتکب شد ، راه توبه را به روی او باز گذاشته است و این است راه رشد و تکامل انسان . نظام هستی ماهیت از اوایی و به سوی اوایی دارد و اسباب و مسببات با نظم شگفت انگیزی به سوی

اصول و شوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

مقصد نهایی که حیات طیبه و در نهایت قرب الی الله است به پیش می رود . پس آدمی نیز با بهره گیری از نعم الهی به عنوان خلیفه خداوند در زمین ، باید به سوی مقصد اصلی حرکت کند و در جهت تربیت خود و دیگران بکوشد . استفاده از روش های تربیتی در سوره انعام به زیبایی بیان شده و انسان می تواند با الگوگیری از آنها در امر تربیت گام های ارزنده ای بردارد.

❁ راهکارها جهت پیشبرد نظام تعلیم و تربیت ، متناظر با اصول و

شیوه ها

اگر چه تعلیم و تربیت انسان تماماً وابسته به آموزش و پرورش رسمی نیست بلکه سایر دستگاه های فرهنگی از جمله : رسانه های گروهی ، خانواده ، مراکز فرهنگی و هنری و مساجد و ... نیز در تعلیم و تربیت افراد نقش آفرین هستند ، اما باید اذعان نمود که جریان تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهمترین ، منظم ترین و شاید هدفمندترین بخش تعلیم و تربیت آدمی است که تأثیر آن را به گونه ای همه جانبه می توان در تمام ابعاد پیش روی انسان دید.

حال بنیم با توجه به مباحث مطرح شده ، چه راهکارهایی را می توان متناظر با اصول و شیوه ها مطرح نمود ؟

۱- تلاش جهت حاکمیت خدامحوری در جامعه ، با توجه به روش دعوت به ایمان .

در سوره انعام تأکید بر درک حضور خداوند در اعمال و رفتار انسانهاست و به خصوص در روش دعوت به ایمان ، انسان را متوجه می کند که باید همه زندگی رنگ الهی داشته باشد ، سایه افکندن مردم سالاری ، دموکراسی و فرهنگ اومانیسم و انسان گرایی در جامعه و انجام کارها ، تنها برای رضایت و خوشایند مردم ، القائاتی است که بیشتر اعمال ما را تحت تأثیر خود دارد ، کمی تأمل در این باب و مشاهده خروجی ها و فارغ التحصیلان در جامعه ، نشان از فاصله گرفتن از اصول، مبانی و روشهای تعلیم و تربیت اسلامی است. باید هم در ظاهر وهم در باطن آموزه های دینی را در جامعه گسترش دهیم ، تا ارزشها درونی شوند و بصورت ملکه درآیند تا بتوانیم در مسیراهداف اصلی همچون عبودیت و حیات طیبه حرکت کنیم ، بنابر این در نظام آموزش رسمی باید موضوع تقویت اعتقادات و بینش های دانش آموزان و دانشجویان و تقویت نگاه توحید محوری در قالب اهداف ، محتوی و روش های یاد دهی و یادگیری مورد تأکید قرار گیرد.

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام

۲- لزوم توجه به امر به معروف و نهی از منکر ، باتوجه به اصل اصلاح شرایط؛

کم رنگ شدن این امر در جامعه و حاکم شدن روحیه بی تفاوتی در مردم خطرات بسیاری را بوجود می آورد ، هجمه رسانه های غربی با ابزار ماهواره ، موبایل فیلم ها و انواع وسایل تبلیغاتی سعی در بی هویتی و استحاله فرهنگی نسل جوان و نوجوان ما دارد و با نهایت تأسف بزرگترها هم از آسیب آن در امان نیستند و این امر، در درجه اول به فرهنگ ما آسیب می رساند ، طبق آیات ۶۸ و ۱۱۶ هر چند که انسانها از حیث ظاهر و باطن تحت تأثیر شرایط هستند ولی می توانند با حفظ وحدت و تحکیم روابط اجتماعی بین مؤمنان ، شرایط را به نحو مطلوب اصلاح کنند و با امر به معروف ونهی از منکر همواره لزوم حفظ ارزشهای دینی را به یکدیگر یادآوری کنند .

در نظام آموزش رسمی باید موضوع امر به معروف و نهی از منکر در قالب ساز و کارهای جذاب و متنوع نهادینه سازی شود . بنابر این می توان امر تربیت معلم سیاستگذاری های جدی در این موضوع جهت ایجاد حساسیت و دغدغه ذهنی در معلمان به عنوان اصلی ترین مؤلفه آموزش و پرورش انجام داد علاوه بر آن مطالب کاربردی با نظر به آثار و پیامد های مثبت این موضوع در محستوی کتاب های درسی به ویژه کتاب های ادبیات فارسی ، علوم اجتماعی و تاریخ ذکر گردد و همچنین زمینه های تشویقی در مورد ترغیب دانش آموزان به اقدام به امر به معروف اتخاذ شود.

۳- استفاده از مجموعه ای از روشها در امر تعلیم و تربیت

همانگونه که می دانیم قرآن کتاب هدایت است و هدف آن رساندن انسان به سوی کمال و صراط مستقیم ، خداوند برای رساندن انسانها به این هدف از روش های گوناگون استفاده نموده و گاهی بصورت قصه و داستان ، گاهی با استدلال عقلی و گاهی با برانگیختن فطرت و وجدان و گاهی نیز با طرح مسائل علمی . ما نیز در تربیت باید مجموعه ای از روشها را بکار ببریم وتنها به یک روش بسنده نکنیم .به عنوان مثال می توان همراه با استفاده از روش اعطای بینش،از روشهای عبرت آموزی ، انذار و تبشیر و .. نیز بهره برد.یکی از موفقیت های معلم بهره گیری از روش های متنوع در کلاس درس با توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان است.با توجه به موقعیت های اجتماعی و محیطی آنها می توان از روشهای گوناگون استفاده کرد.

۴- تقویت قوه تفکر در فراگیران با توجه به روش اعطای بینش

بینش که نوعی آگاهی عمیق و گسترده است از راه تفکر و ایجاد قوه تجزیه



و تحلیل در افراد صورت می گیرد. در تعلیم و تربیت بایستی به دانش آموز مجال اندیشه داد و او را ترغیب به تفکر کرد. اگر همه همت او این باشد که فقط بیاموزد و فراگیرد و حفظ کند، نتیجه ای نخواهد گرفت. در نظام آموزش و پرورش ما بخصوص در مقطع دبیرستان به بالا به علت مسئله کنکور، بیشتر انرژی دانش آموز به فراگیری حفظیات و انبار کردن معلومات در حافظه می گذرد و فرصت تفکر را از او می گیرد و بیشتر تلاش های انجام گرفته در نظام آموزش رسمی کشور نیز در راستای تقویت قوه شناختی دانش آموزان، آن هم فقط در حد دانشی متوقف گردیده است و تقویت قوه خلاقیت، تجزیه و تحلیل و اندیشه ورزی و پرسشگری در فراگیران مورد تأکید نمی باشد و این امر منجر به عدم فهم صحیح و سطحی نگری در بسیاری از دانش آموزان و دانشجویان گردیده است و این خطر بزرگی است، چرا که به اندیشه و اعتقادات دینی نیز لطمه زده و بتدریج باعث ضعف آنها نیز می شود و راه را برای بی هویتی افراد و پذیرش فرهنگ بیگانه هموار می کند. باید که در این زمینه برنامه ریزی هایی صورت گیرد.

۵- توجه به هماهنگی بین خانواده، مدرسه و جامعه

با توجه به اصل وحدت رویه و به منظور الگوسازی جوانان و نوجوانان هماهنگی بین خانواده، مدرسه و جامعه بستر مناسبی در جهت بهبود نظام آموزشی و تربیتی است.

منابع

- اعرافی و همکاران، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، بهار ۱۳۸۵، چاپ ششم، انتشارات سمت
- انصاری، محمد علی، تفسیر بیان، ۱۳۸۵، مشهد، موسسه بیان
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۸۹، جلد اول چاپ بیست و یکم، انتشارات مدرسه دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، ۱۳۷۶، چاپ دوم، موسسه نشر و تحقیقات ذکر ربانی منش و همکاران، تفسیر همراه مشکوه، www.Mobilha.Com از www.tebyan.net
- شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش ها)، ۱۳۷۰، تهران، انتشارات چاپ و نشر ایران طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ۱۳۶۳، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۷، تهران، انتشارات امیرکبیر
- عبدالباقی، محمد فواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ۱۳۷۸، چاپ اول، انتشارات حر قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن (جلد ۱-۲)، ۱۳۸۶، چاپ یازدهم، دار الکتب الاسلامیه کرمی، علی - ترجمه و تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی، آبان ۱۳۸۰
- محمود شماته، عبد الله، درآمدی به تحقیق در: اهداف و مقاصد قرآن کریم، نگارش: دکتر سید محمد باقر حجتی، ۱۳۷۴، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۶۲، انتشارات الزهرا
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (۲)، ۱۳۷۲، تهران، چاپ سوم، انتشارات صدرا
- مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ۱۳۶۳، جلد های ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲، چاپ، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه

اصول و شیوه های تربیت
انسان در سوره مبارکه انعام